امکان سنجی فقهی استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند حکمیت شقاق زوجین

چکیده

۱-مقدمه و هدف

با بروز شقاق میان زوجین، بنابر تصریح آیه ۳۵ سوره نساء، داورانی از خانواده زن و مرد مأمور رسیدگی به اختلاف و تلاش برای اصلاح یا حُکم به جدایی می‌شوند. بحث در وجوب یا استحباب انتخاب حَکَم، از مسائل اختلافی میان فقهاست. با گسترش کاربرد هوش مصنوعی در ابعاد مختلف زندگی معاصر، پرسشی نو پدید آمده است که آیا این فناوری می‌تواند در فرآیند حکمیت خانوادگی به‌عنوان داور یا مشاور فقهی ایفای نقش کند؟

۲- مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع معتبر فقه امامیه شامل کتب فقهی، اصولی و تفسیری (کلاسیک و معاصر)، به امکان‌سنجی فقهی بهره‌گیری از هوش مصنوعی در مقام داوری در موارد شقاق زوجین می‌پردازد .

۳- یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر کارکردی، هوش مصنوعی قابلیت تحلیل داده‌های رفتاری، ارائه راهکارهای توافقی و کاهش زمان رسیدگی را داراست و می‌تواند به عنوان ابزار کمکی در فرآیند داوری مطرح شود. با این حال، از دید فقه اسلامی، حکمیت مستلزم قصد، عدالت، درک عاطفی و قدرت تشخیص انسانی است که هنوز در سامانه‌های هوش مصنوعی به‌طور کامل تحقق نیافته است.

٤- بحث و نتیجه‌گیری

بنابراین، هرچند فناوری مذکور می‌تواند در تسهیل تصمیم‌گیری، کاهش تعارضات و ارتقای بهره‌وری نظام داوری خانوادگی نقش‌آفرین باشد، اما مشروعیت و صحت نهایی حکم، منوط به نظارت و تأیید داور انسانی است تا انسجام شرعی و اخلاقی فرآیند حفظ گردد. این بررسی در نهایت، تصویری فقهی‌ـکاربردی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی در داوری خانوادگی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: اختلافات زوجین، شقاق. هوش مصنوعی، حَکَم، تحکیم، طریقیت و موضوعیت

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

مقدمه:

شقاق زوجین به معنی اختلاف و ناسازگاری شدید بین زن و شوهر است که می‌تواند منجر به نارضایتی، کشمکش‌های مداوم و در نهایت، جدایی عاطفی یا قانونی شود. برای حل این مسئله قرآن پیشنهاد می‌کند که دو داور از خانواده‌های زن و شوهر انتخاب شوند تا به بررسی مشکل بپردازند و سعی کنند بین آن‌ها صلح و سازش برقرار کنند. این داوران باید افرادی دلسوز، آگاه و بی‌طرف باشند و هدفشان، حل مشکل و حفظ خانواده باشد. آیه ۳۵ سوره نساء به صراحت در این مورد می‌فرماید: "وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا" (و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید، پس داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن برانگیزید، اگر هر دو خواهان اصلاح باشند، خدا میان آن دو سازگاری پدید می‌آورد، همانا خداوند دانای آگاه است.)

در دنیای امروز، با پیشرفت‌های سریع در حوزه فناوری و هوش مصنوعی، استفاده از این تکنولوژی‌ها به‌عنوان یک ابزار تحول‌آفرین در حوزه‌های مختلف حقوقی، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی مطرح شده است. با افزایش تعداد پرونده‌های قضایی و نیاز به کاهش زمان رسیدگی، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی در سیستم قضایی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از حوزه‌های مهم که می‌تواند از این پیشرفت‌ها بهره‌مند شود، مسائل شقاق زوجین است که به دلیل پیچیدگی‌های عاطفی و حقوقی، نیازمند دقت و سرعت در رسیدگی است. هوش مصنوعی با قابلیت تحلیل داده‌های گسترده ، تشخیص الگوهای تعارض ، ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر الگوریتم‌های پیشرفته، و پیشنهاد مداخلات هوشمند بر اساس اصول اخلاقی و شرعی، می‌تواند به عنوان یک ابزار در فرآیند داوری و حکمیت مورد استفاده قرار گیرد. این امر نه تنها می‌تواند به کاهش زمان و هزینه‌های قضایی کمک کند، بلکه با ارائه تصمیمات مبتنی بر داده، می‌تواند به افزایش دقت و عدالت در این فرآیندها منجر شود. با وجود این تسهیلات، استفاده از هوش مصنوعی در این زمینه نیازمند واکاوی و تبیین برخی ابهامات است . اینکه آیا هوش مصنوعی می‌تواند جایگزین حکمین انسانی شود؟ آیا تصمیمات هوش مصنوعی می‌تواند بر اساس معیارهای فقهی و اخلاقی اسلامی، عدالت را برقرار کند؟ از سوی دیگر، آیا استفاده از هوش مصنوعی در این زمینه با اصول فقهی مانند ضرورت حضور انسان در تصمیم‌گیری‌های قضایی و اخلاقی سازگار است؟ از منظر فقهی، این مسئله نیازمند بررسی ماهیت حکمیت، شرطیت عدالت و درک عمیق از شرایط زوجین است که آیا هوش مصنوعی قادر به تحقق این شرایط هست یا خیر؟

همچنین، از جنبه حقوقی، استفاده از هوش مصنوعی به عنوان داور مستلزم بررسی قوانین مرتبط با صلاحیت، مسئولیت حقوقی و اعتبار تصمیمات صادره توسط سیستم‌های هوشمند است از منظر حقوقی نیز، استفاده از هوش مصنوعی به

عنوان داور یا حکم در شقاق زوجین، چالش‌هایی را به همراه دارد. اولاً، سیستم‌های هوش مصنوعی بر اساس الگوریتم‌ها و داده‌های از پیش تعیین شده عمل می‌کنند، در حالی که مسائل خانوادگی و اختلافات زوجین غالباً پیچیده و منحصر به فرد هستند. آیا هوش مصنوعی می‌تواند به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا به همه ابعاد اختلاف توجه کند؟ ثانیاً، مسئله مسئولیت حقوقی تصمیمات هوش مصنوعی مطرح است. در صورت بروز اشتباه یا تبعیض در تصمیمات هوش مصنوعی، چه کسی مسئول خواهد بود؟ آیا می‌توان هوش مصنوعی را به عنوان یک نهاد حقوقی مسئول شناخت؟

این نوشتار به بررسی فقهی امکان استفاده از هوش مصنوعی در حل اختلافات زوجین، با تمرکز بر موارد نشوز، می‌پردازد .آنچه مسلم است، با ارائه داده‌های دقیق، سیستم‌های هوشمند قادرند تعارضات را ریشه‌یابی کرده، راهکارهای شخصی‌سازی‌شده ارائه دهند و حتی پیش‌بینی‌هایی درباره احتمال تشدید یا کاهش تنش‌ها انجام دهند. همچنین، چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی استفاده از این فناوری در محیط‌های خانوادگی مورد بحث قرار خواهد گرفت. هدف نهایی این پژوهش، امکان سنجی ارائه یک مدل نظری–عملی است که بتواند به مشاوران خانواده، مراجع قضایی و خود زوجین کمک کند تا با کمترین هزینه عاطفی و زمانی، به راهکارهای پایدار دست یابند.

۱-پیشینه پژوهش:

در مقالات مختلف به کاربردهای هوش مصنوعی در ارتقاء زندگی خانوادگی و تاثیرات آن بر روابط افراد خانواده و تهدیدات و فرصتهای احتمالی آن پرداخته است. از جمله:

مقاله: « استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت هوشمند مسائل خانواده» از سیده طاهره موسوی در دوفصلنامه تبلیغ و خانواده ش ٤ ص ۸۵–۱۰۰ منتشر شده. تمرکز این نوشتار فقط بر کارکردهای موثر و مفید هوش مصنوعی است.

مقاله: «کاربرد هوش مصنوعی در حل مسائل حقوق خانواده» از مهرنوش ابوذری در نشریه مطالعات فقه و حقوق رسانه بهار و تابستان ۱٤۰۲ – شماره از ص۱۷۷تا ۱۸۹ چاپ شده و به کاربردهای عینی هوش مصنوعی در حل مسائل حقوق خانواده اشاره دارد و قابلیت‌ها و قواعد به‌کارگیری آن در نظام حقوقی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پژوهشهای مرتبط دیگری با محوریت هوش مصنوعی و حل چالشهای خانواده نگاشته شده است؛ لکن نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار امکان‌سنجی فقهیِ بهره‌گیری از هوش مصنوعی در فرایند حکمیتِ شقاق زوجین را در قالب یک چارچوب منسجم ارائه می‌کند. این مطالعه با تحلیل همزمان مبانی فقه حکمیت و ظرفیت‌های فنی هوش مصنوعی، نسبت میان حجیت، بی‌طرفی، مشروعیت و حدود مداخله سامانه‌های هوشمند را تبیین کرده و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از هوش مصنوعی به‌عنوان یک پشتیبان تصمیم‌یار ــ نه جایگزین حکمین ــ در مراحل گردآوری اطلاعات، تحلیل و ارائه پیشنهادهای اصلاحی بهره برد، به‌گونه‌ای که با الزامات فقهی سازگار باشد.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

۲-مفاهیم:

۲-۱-شقاق

معنی لغوی: «شِقاق» از مادّه «شق» در اصل به معنای شکاف، منازعه و جنگ است. (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ج۱، ص٤٥۹) سپس، به معنای اختلاف نیز به کار رفته، زیرا اختلاف، سبب می‌شود که هر گروهی در شِقّی قرار گیرد.

معنی اصطلاحی: واژه شقاق که در آیه ۳۵ سوره نساء آمده، بر وزن فِعال از شِق به معنای ناحیه (منطقه) می‌باشد و از آنجا که زن و شوهر در پی بروز اختلاف و ناسازگاری میان آنان گویا هر کدام در ناحیه‌ای غیر ناحیه دیگری قرار می‌گیرد، از اختلاف و دشمنی آن دو با یکدیگر، به شقاق تعبیر شده است. ممکن است شقاق از شِق به معنای تفرق و جدایی باشد.(نجفی،۱۳٦۲،ج۳۱، ص۲۰۹)

برخی گفته‌اند: شقاق در عرف شرع عبارت است از اختلاف و دشمنی هر یک از زوجین نسبت به دیگری، به گونه‌ای که نه بر زندگی مصالحه کنند و نه بر جدایی از یکدیگر. (ابن ادریس،۱٤۱۰ق، ج۲، ص۷۳۰)

بین معنی لغوی و اصطلاحی واژه شقاق همسویی وجود دارد فلذا آنچه از این واژه در تحقیق مدنظر است همان نشوز دوجانبه از طرف زوجین نسبت به یکدیگر است تا حدی که اصل زندگی مشترک را در مخاطره قرار می‌دهد. این برداشت را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ...«و اذا نشز الرجل مع نشوز المرأة فهو الشقاق»(بحرانی، ۱٤۱۵، ج ۱، ص ۳٦۸) اگر با نشوز زن، مرد هم نشوز کند؛ پس آن شقاق است.

۲-۲- هوش مصنوعی یا AI

هوش مصنوعی که در انگلیسی به آن Artificial intelligence می گویند و بیشتر با مخفف آن که AI است شناخته می شود، در واقع تکنولوژی ای است که به نحوی قابلیت فکر کردن دارد. البته این قابلیت با چیزی که ما در مورد تفکر انسانی می دانیم متفاوت است اما هوش مصنوعی سعی می کند از همین تفکر انسانی به نوعی تقلید کند.

هنوز تعریف دقیقی از هوش مصنوعی از جانب دانشمندان ارائه نشده اما اگر بخواهیم تعریف ساده ای از آن داشته باشیم باید بگوییم هوش مصنوعی شاخه ای از علوم رایانه ای است که هدف اصلی آن تولید ماشین های هوشمندی است که توانایی انجام وظایفی که نیازمند به هوش و تفکر انسانی است را داشته باشند.

در واقع هوش مصنوعی نوعی شبیه سازی هوش انسانی است که می تواند همانند انسان فکر کند، توانایی تقلید رفتار از انسان را داشته باشد، منطقی عمل کند و توانایی انجام کارهایی مانند حل مسئله و یادگیری را داشته باشد.

https://www.deltous.com/blog/what-is-ai

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

هوش مصنوعی یک علم میان رشته ای با چندین رویکرد است، اما پیشرفت در یادگیری ماشین و یادگیری عمیق باعث ایجاد تغییر الگوی تقریبا در هر بخش از صنعت فناوری می شود.

(https://arazcloud.com/blog/what-is-ai-ai-and-what-are-its-uses/)

۳-ماهیت حکمیت در آیه ۳۵ سوره نساء:

قرآن کریم در حال مناقشات زوجین از اصطلاح «حَکَم» استفاده کرده است و می‌فرماید: «... فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها..»

مبنای شرعی داوری دراختلافات زوجین همین آیه مبارکه است. در این‌حال دو سؤال مطرح می‌شود که مقصود از حَکَم در آیه چیست و ماهیت آن چه می‌باشد، فقها در تفسیر حکم و داور دو احتمال را مطرح کرده‌اند:

۳-۱-قاضی تحکیم:

قاضی تحکیم، مقابل قاضی منصوب، قاضی‌ای است که دو طرف دعوا او را برمی‌گزینند تا میانشان حکم کند. (سبزواری، بی‌تا، ج۲۷، ص۱۰) به تصریح برخی، قاضی تحکیم در زمان غیبت قابل تصور نیست؛ زیرا کسی که واجد همهٔ شرایط، از جمله اجتهاد می‌باشد، از جانب امام (علیه‌السّلام) برای قضاوت و حکم، منصوب و ماذون است. (شهید ثانی، بی‌تا، ج۳، ص۷۰) ولی برخی، اجتهاد را در قاضی تحکیم شرط ندانسته‌اند. بنابراین، قاضی تحکیم در زمان غیبت نیز قابل تصور است(خوئی، بی‌تا، ج۱، ص۸-۹) شهید ثانی می‌فرماید: «و الاکثر علی کونه تحکیما لانّ الله سمّاهما حکمین» (شهید ثانی،۱٤۱۳، ج۸، ص۳٦۷). نهایت اینکه قاضی تحکیم باشند زیرا خداوند آنها را حَکَم نامیده است. حاکم داوران را انتخاب کرده و بدون آنکه رضایت زوجین را بخواهد از داوران می‌خواهد هرگونه مصلحت دیدند عمل کنند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج٤، ص۳٤۰) در نتیجه، عمل به مفاد حکم آنان بر زوجین واجب است؛ هرچند نسبت به اصل انتخاب و نظر داوران راضی نباشند.

۳-۲- توکیل:

بنابر قول به توکیلی بودن انتخاب حَکَم، باید هر یک از زوجین به داور خود وکالت دهد که از طرف او بر اساس مصلحت موکل؛ داوری نماید. این داوری اعم از آشتی یا جدایی به عوض و یا بدون عوض است. در نتیجه، داوران تنها در محدوده وکالت خود حق نظر دارند و انتخاب و ارسال آنان نیز منوط به رضایت زوجین است.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

مشهور، قائل به قول نخست اند؛ بلکه بر آن ادعای اجماع شده است و قول به توکیل بسیار شاذ است (طباطبائی، ١٤١٨ق، ج١٠، ص٤٨١) و قائل مشخصی ندارد.

سوال دیگری که در اینجا مطرح است اینست که آیا واجب است حَکَم از خانواده زوجین باشد یا از غیر آن نیز جایز است؟ برخی قائل به قول نخست شده‌اند. (ابن ادریس،١٤١٠ق، ج٢، ص٧٣٠) ولی مشهور، انتخاب داور از خانواده زوجین را مستحب دانسته‌اند. (بحرانی، بی‌تا، ج٢٤، ص٦٣٤ و٦٣٥) چنانکه علامه حلی میفرماید: «یجوز أن یکون الحکمان من غیر أهلهما، أو أحدهما من أهل أحدهما، و الآخر أجنبیّ، لکن الأولی أن یکونا من أهلهما، و لیس واجبا، خلافا لابن إدریس» (حلی، ١٤٢١ق، ج٣، ص٥٩٨). جایز است که داوران از غیر خوشاوندان زوجین باشند، یا یکی از خویشاوندان و دیگری بیگانه باشد، ولی بهتر اینست که از خویشاوندان باشند، و برخلاف نظر ابن ادریس این امر واجب نیست.

در رابطه با تعداد داوران هم در قرآن کریم لفظ حکمین به صیغه تثنیه ادا شده است که ظهور در خصوص دو نفر دارد، نه بیشتر و نه کمتر، نتیجه این ظهور آن است که بگوییم برای مشروعیت تحکیم، حکمین باید دو نفر، یکی از جانب زوجه و یکی از طرف زوج، برگزیده شوند و لاغیر. فقها و مفسرین نیز غالبا همین لفظ حکمین را استعمال کرده و عموماً احتمال خلاف آن را به بررسی نشسته‌اند. با این وجود هستند کسانیکه می‌گویند یک حَکَم واحد نیز برای انجام حکمیت میان زوجین کفایت کرده و حُکم او مانند حُکم دو حَکم از اعتبار برخوردار می‌باشد. از طرف دیگر برخی فقها معرفی بیش از یک حَکَم از هر طرف را در صورت نیاز جایز می‌دانند چنانکه حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: « لزومی ندارد از هر طرف فقط یک حَکَم معرفی شود بلکه اگر مصلحت ایجاب کند که بیش از یک نفر از هر طرف معرفی شوند، همان تعداد معین می‌گردد.» (خمینی،١٣٩٠،ج٢، ص٣٠٧)

به نظر می‌رسد که وجه این دو اظهار نظر آن است که چون، موضوع بعث حکمین، اصلاح است لذا با هر تعداد حَکَم که به این هدف برسیم، همان مشروع خواهد بود، و ظاهر آیه را نیز به مورد اغلب حمل کرده یا آن را بر استحباب حمل می‌نماییم. (دادمرزی، بهار ٨٨، ش١٤)

٤-فلسفه حکمیت و ویژگیهای حَکَمین:

مرحوم متین دفتری در تعریف داوری مینویسد: «زمانی که افراد از مداخله مراجع رسمی(قضایی) در حل و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان صرف نظر نمایند و به حکومت خصوصی اشخاصی که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا درستکاری و امانت مورد اعتماد آنها هستند تسلیم شوند.» (متین دفتری ،١٣٧٨ ج،١ ص٧٦)

نسخه غیرقابل چاپ پیش از انتشار

پروفسور رنه داوید مینویسد: «داوری فنی است که هدف آن حل و فصل مسایل مربوط به روابط بین دو یا چند شخص به وسیله یک یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران است که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی میگیرند و بر اساس آن قرارداد رأی میدهند، بدون آن که دولت چنین وظیفه‌ای را به آنان محول کرده باشد (رنه داوید، به نقل از محمدزاده، ۱۳۷۹، ص۲۳).

داوری در علم حقوق به معنای حل و فصل اختلاف به طریق غیررسمی توسط شخص غیرقاضی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵،ج۱، ص٤٥٢).

داوری در فقه؛ تحکیم نامیده میشود. وقتی دو یا چند نفر در امر مالی یا غیر مالی نزاع و اختلاف پیدا کرده و با هم توافق میکنند که برای فیصله دادن به آن اختلاف، فردی را به عنوان حکم و داور انتخاب نموده و به آنچه او حکم کند راضی شوند؛ این حکم کردن شخص ثالث برای دو نفر متخاصم را تحکیم و آن شخص ثالث را قاضی تحکیم مینامند یعنی قاضی‌ای که با تحکیم و انتخاب دو نفر متخاصم برگزیده شده است (محمدی گیلانی ۱۳٦۰،ش، ج۱ ص٦٢).

در مسائل مربوط به شقاق و اختلافات زوجین نیز مثال بقیه اختلافات، حضور داور یا میانجی معمولاً برای ایجاد یک راه حل عادلانه و منطقی توصیه می‌شود. داوران نقش مهمی در شنیدن حرف‌های هر دو طرف، تحلیل شرایط، و ارائه توصیه‌هایی برای رفع اختلاف دارند. همچنین وجود داور از تصمیم‌گیری‌های عجولانه یا ناعادلانه جلوگیری کرده و کمک می‌کند تا روند حل اختلاف به شکل منصفانه‌تری پیش برود. قرآن کریم نیز نیت خیر داشتن حکمین را موجب جلب توفیق الهی در تصمیم گیری میداند و میفرماید :«إن یریدا إصلاحا یوفق الله بینهما» (نساء/۳۵). اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می کند. البته، اگر راه دیگری برای رسیدن به توافق و تصمیم‌گیری صحیح وجود داشته باشد، مثلاً از طریق گفت‌وگوهای مستقیم، مشاوره با متخصصان خانواده، یا حتی استفاده از روش‌های روان‌شناختی برای بهبود رابطه، این روش‌ها هم می‌توانند مفید باشند. مهم این است که تصمیم‌گیری بر اساس درک متقابل، عدالت، و حفظ حقوق طرفین صورت بگیرد.

در کتب فقهی ویژگیهایی برای حکمین شرط شده است.

بلوغ، عقل، شایستگی برای داوری و مرد بودن از شرایط داوران است.(ابن ادریس،١٤١٠ق، ج۲، ص۷۳۰؛ حلی، ١٤٢١ق، ج۳، ص٥٩٩) برخی، اسلام را نیز شرط دانسته‌اند.(شهید ثانی، ١٤١٣ق، ج۸، ص٣٦٧) ولی برخی دیگر، اسلام را تنها در صورت مسلمان بودن زوجین شرط دانسته‌اند.(نجفی، ١٣٦٢، ج۳۱، ص۲۱۵؛ سبزواری، بی‌تا، ج۲۵، ص۲۳۲-۲۳۱) در مورد اشتراط حریت و عدالت اختلاف نظر وجود دارد.

(نجفی،۱۳٦۲، ج۳۱، ص۲۱۵؛ سبزواری، بی‌تا، ج۲۵، ص۲۳۱)برخی گفته‌اند: اگر انتخاب داوران از باب تحکیم باشد، آن دو، شرط هستند و اگر از باب توکیل باشد، شرط نیستند. (شهیدثانی، ۱٤۱۳ق،ج۸، ص ۳٦۷)

بر اساس نظر امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله»، حَکَم باید فردی باشد که بتواند با شناخت دقیق از شرایط زوجین و با رعایت موازین شرعی، به حل اختلاف بپردازد (خمینی، ۱۳۹۰، ج۲، ص۳۰۱).

اجتهاد در حکمین شرط نیست؛ زیرا محل آن امر معین جزئی است پس جایز است مانند نظائر این مسئله، حاکم آن را به احاد مردم بسپارد... اما بر حَکَمین واجب است تلاش کنند تا از احوال زوجین و آنچه موجب شقاق شده جستجو کنند و در صورت امکان بین زوجین آشتی ایجاد نمایند(شهیدثانی، ۱٤۱۳ق، ج۸، ص۳٦۷؛ نجفی،۱۳٦۲، ج۳۱، ص۲۱۵).

پس از دانستن فلسفه حکمیت و ویژگیهای حَکَم این سؤال پیش میاید که آیا از نظر فقه، هوش مصنوعی می‌تواند جایگزین حکم و داور در حل اختلافات زوجین باشد؟ برای سنجش امکان استفاده از هوش مصنوعی ابتدا باید مشخص شود که آیا بعث حکم در مسئله شقاق واجب است و در صورت وجوب، طریقیت دارد یا موضوعیت؟

۵-طریقیت یا موضوعیت بعث حکم

در اصطلاح فقه و حقوق، "طریقیت" و "موضوعیت" دو مفهوم متقابل هستند که به چگونگی تأثیر یک امر بر حکم یا موضوع اشاره دارند و در اصول فقه صفت قطع و اماره قرار میگیرند. (انصاری،۱٤۱۹، ج۱، ص۲۹) به طور خلاصه:

موضوعیت: به این معناست که یک امر به طور مستقیم در حکم شرعی یا قانونی دخیل است و خود موضوع حکم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، حکم شرعی یا قانونی مستقیماً به آن امر تعلق دارد و بدون وجود آن، حکم هم وجود نخواهد داشت.

طریقیت: به این معناست که یک امر صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای شناخت یا اثبات حکم یا موضوع دیگر مطرح است. به عبارت دیگر، آن امر به خودی خود موضوع حکم نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به حکم یا موضوع دیگر است. (مظفر، ۱٤۲۳ق، ج۲، ص٤۲)

در موضوع مورد بحث، طریقیت به این معناست که حضور داور صرفاً وسیله‌ای برای رسیدگی به اختلافات زوجین است و خود داوری به‌عنوان یک اصل مستقل اهمیت ندارد؛ بنابراین از هر راهی که بتوان به اختلافات زوجین

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

رسیدگی کرد جایز است. در مقابل، موضوعیت به این معناست که حضور داور به‌عنوان یک عنصر اساسی در روند دادرسی نقش دارد و نمی‌توان آن را حذف کرد.

سوال اساسی که پاسخ آن جهت تحقیق را مشخص می‌کند اینست که آیا در حل اختلاف زوجین، بعث حَکَم طریقیت دارد یا موضوعیت؟ اگر طریقیت داشته باشد، راههای جایگزین آن هم میتواند در حل اختلاف زوجین کارساز باشد ولی اگر موضوعیت داشته باشد، یعنی داور به‌عنوان یک نهاد مستقل در روند دادرسی تأثیر مستقیم دارد و جایگزین کردن هوش مصنوعی به جای آن محل تأمل است.

پس«طریقیت بعث حکم» در شقاق زوجین یعنی اینکه مأموریت حَکَمین نه استقلال در صدور حکم شرعی یا قضایی، بلکه طریقی برای کشف واقع و اصلاح رابطه یا تسهیل تصمیم ولیّ شرعی (قاضی) است. برای اثبات این طریقیت، می‌توان از ادله اجتهادی زیر استمداد جست.

۵-۱- دلالت سیاق آیه ۳۵ سوره نساء

عبارت *«إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا»* صراحت در هدف دارد: غرض بعث حکم، اصلاح ذات البین است نه حکم قضاییِ الزام‌آور. همچنین تعبیر *«يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»* نشان از آن دارد که نتیجه در اختیار توفیق الهی است، نه صدور رأی حقوقی و خود امر *«فابعثوا»* بر «بعث و ارسال» دلالت دارد؛ یعنی حَکَمین واسطه و طریقی برای اصلاح و کشف حقیقت‌اند، نه صاحب منصب حکم. غایتِ بعث، اصلاح است؛ پس بعث، طریق برای تحقق آن می‌باشد نه غایتی مستقل. اگر بعث فی‌نفسه وظیفه‌ی شرعیِ مستقل بود، نیازی به قید «إن یریدا إصلاحًا» نبود.

بنابراین، از آیه ظاهر می‌شود که بعث حکم طریقیت دارد نه موضوعیت یا استقلال در حکم.

۵-۲- قرینه‌ی عقلائیه در کارکرد «حَکَم»

بعث حَکَم در عرف عقلاء، راهی برای کشف واقع و اصلاح اختلافات است نه یک تکلیف تعبدی مستقل. شارع نیز در این آیه از همین عرف عقلایی تبعیت کرده است؛ لذا بعث، «طریق اصلاح» است، نه خودِ «حکم» واجب تعبدی.

۵-۳- نظرات فقها

شهید ثانی در این باره می‌گوید: «هل بعث الحکمین واجب أم مندوب؟ قولان، من دلالة ظاهر الأمر علی الوجوب، و کون الظاهر من حال الشقاق وقوع الزوجین أو أحدهما فی المحرّم فیجب تخلیصهما منه حسبة، و من إمکان

الإصلاح بدون ذلک فلا یکون واجبا و إن کان راجحا نظرا إلی ظاهر الأمر. و الوجه بناء علی أن البعث من وظائف الحاکم الوجوب. و لو جعلنا متعلّق الأمر الزوجین فالاستحباب أوجه، لإمکان رجوعهما إلی الحقّ بدون الحکمین. نعم، لو توقّف الرجوع إلی الحقّ علیهما وجب بعثهما مطلقا من باب المقدّمة»(شهید ثانی،۱٤۱۳، ج۸،ص ۳٦٦)

جناب شهید ثانی مسئله را از دو منظر تبیین می‌نماید: ۱- بدلیل ظهورصیغه امر در وجوب و اینکه ظاهرا در صورت شقاق هر دو زوجین یا یکی از آنها به حرام می‌افتد که خلاص کردنش از حرام واجب است. ۲- اصلاح بدون حضور حَکَم هم ممکن است پس واجب نیست؛ اگر چه که به خاطر ظاهر امر ارجحیت دارد.

شهید ثانی در منظر اول، احتمال موضوعیت بعث حکم را مطرح می‌کند و در وجه دوم طریقیت را محتمل می‌داند . سپس میگوید اگر بعث حکم را از وظایف حاکم بدانیم، باید قائل به وجوب شویم و چنانچه متعلق امر را زوجین بدانیم، قول به استحباب وجیه‌تر است. زیرا رجوع زوجین به حق، بدون حکمین هم ممکن است. البته اگر رجوع به حق متوقف بر حکمین باشد، بعث آنها از باب مقدمه واجب، واجب است.

بنا به معیار شهید ثانی، که اگر مخاطب امر به بعث حکم در آیه ۳۵ سوره نساء، حاکم باشد پس بعث حکم امری واجب است، باید اذعان نمود که بنا بر ادعای صاحب جواهر اکثر فقها مخاطب امر را حکام مخصوص به این امر می‌دانند نه زوجین(نجفی، ۱۳٦۲، ج۳۱، ص۲۰۹ و ۲۱۱)؛ اما در مقابل برخی آن را بدوا از وظایف زوجین می‌دانند که در صورت عدم امتثال، وظیفه حاکم می‌شود. و این قول را مستند به ظاهر نصوص می‌دانند همانطور که در فقه الرضا علیه‌السلام آمده: «یختار الرجل رجلا وتختار المرأة رجلا » إلی آخره (نجفی، ۱۳٦۲، ج۳۱، ص۲۱۱). مرد، فردی را انتخاب میکند و زن فردی را.... البته قول ضعیفتری هم وجود دارد که مستند به روایات مرسل است و مخاطب بعث، را خانواده زوجین می‌داند که صاحب جواهر این قول را منافی آیه و روایات می‌داند.(همان، ص۲۱۲) اما صاحب کشف اللثام یک جمع بندی جامعی دارد و آن اینکه فرقی ندارد مخاطب بعث حکم که باشد؛ آنچه مهم است اینست که اگر اصلاح امور زوجین متوقف بر آین امر باشد، در اینصورت واجب است. (فاضل هندی،۱٤۰۵ق،ج۷،ص۵۲۱)

اکثر فقهای امامیه، از شیخ طوسی تا صاحب جواهر، بعث حکمین را به مثابه «طریق اصلاح» دانسته‌اند، نه یک واجب تعبدی مستقل؛ از این رو بسیاری از فقها با وجود تصریح قرآن به خویشاوند بودن حکمین، انتخاب حَکَم از غیر خویشاوندان زوجین را نیز جایز می‌دانند (نجفی، ۱۳٦۲ ، ج۳۱، ص۲۰۹)

از طرفی صاحب جواهر به صراحت میگوید: «قد یقال بعدم تعین وجوب الکیفیة المخصوصة مع إمکان إصلاح حالهما بغیرها أما لو انحصر فیها تعین وجوبها» (همان ، ص۲۱۳) یعنی اگر امکان اصلاح از راه دیگری بود، بعث حکم واجب نیست.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

از مجموع ادله، نتیجه‌ی اجتهادی این است که:

«بعث حکمین در شقاق زوجین، طریقیت دارد نه موضوعیت. غایت آن اصلاح و رفع فتنه است، و نفسِ بعث حکم مقدمه‌ای عقلایی برای تحقق صلح و رفع نزاع است.»

با اثبات طریقیت بعث حکم، می‌توان راه را برای مشروعیت حضور هوش مصنوعی یا هر وسیله‌ای که قادر به تحقق این اهداف باشد، به عنوان ابزار یا جایگزین در مقام حکمیت باز کرد، زیرا در صورت اثبات طریقیت، شرط انسان‌بودن و قصد شخصی از موضوعیت خارج می‌شود و جنبه‌ی «نقش واسطه اصلاحی» پیدا می‌کند.

هوش مصنوعی ازاین‌رو قابلیت جایگزینی دارد که:

توانایی پردازش داده‌ها و تحلیل الگوهای رفتاری و عاطفی زوجین را دارد؛ می‌تواند راه‌حل‌های بی‌طرفانه، منصفانه و سریع برای مصالحه ارائه کند؛عاری از تعصب، خستگی یا مداخله هیجانی است و نهایتاً عملش، با نظارت داور انسانی یا قاضی، به نتیجه شرعی می‌رسد.

نتیجه این جمع بندی اینست که، حکم و داور در مسئله شقاق زوجین به عنوان طریقیت در نظر گرفته می‌شود، زیرا هدف اصلی، حل اختلاف و رسیدن به صلح و سازش بین زوجین است که اگر از راههای دیگری ایجاد شود، نیازی به حَکَم نیست.

٦-مبانی مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی بنا بر قول به موضوعیت

٦-١-بهره‌برداری از قاعده «التعاون علی البر والتقوی»

قاعده «التعاون علی البر والتقوی» (مستند به آیه ۵ مائده: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) یک قاعده فقهی عام و گسترده است که هرگونه همکاری در جهت تحقق امر خیر شرعی را مشروع می‌سازد.

چگونگی اعمال قاعده در حکمیت:

٦-١-١-مصداق «برّ» در حکمیت: «اصلاح ذات البین» و جلوگیری از طلاق (که مبغوض خداوند است) یک مصداق اتم و اکمل «برّ» است.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

٦-١-٢-هوش مصنوعی به عنوان ابزار تعاون: اگر هوش مصنوعی بتواند فرآیند جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌های پیچیده روان‌شناختی، شناسایی الگوهای سوءتفاهم، یا ارائه راهکارهای صلح‌آمیز با دقت بالاتر از انسان (در برخی جنبه‌ها) را فراهم کند، پس استفاده از آن، تعاون مؤثر با حَکَم انسانی (یا حاکم) در راستای «بِرّ» محسوب می‌شود.

٦-١-٣-نتیجه فقهی: استفاده از AI در حکمیت، مصداق تعاون بر «بِرّ» است، مگر آنکه استفاده از آن به سمت «إثم و عدوان» (مثلاً نقض حریم خصوصی یا صدور حکم ظالمانه) سوق یابد که در این صورت مصداق «تعاون بر اثم» خواهد بود.

خلاصه: قاعده تعاون، مشروعیت استفاده از ابزارهای کارآمد (مانند AI) را به شرطی که در جهت تقویت فرآیند اصلاحی باشد، تأیید می‌کند.

٦-٢- بهره‌برداری از اصل «تسهیل» (رفع حرج و مشقت)

اصل تسهیل (که خود ریشه‌های متعددی در شریعت دارد، مانند قاعده رفع حرج: «رفع عن أمتی تسعة...» و تسهیل در تکالیف) ایجاب می‌کند که هرگاه انجام یک تکلیف شرعی با مشقت غیرقابل تحمل همراه باشد، راهی برای رفع آن یا تسهیل انجام آن وجود داشته باشد.

٦-٢-١-چگونگی اعمال اصل تسهیل در حکمیت:

٦-٢-١-١-مشقت در فرآیند حکمیت سنتی: امروزه، حل‌وفصل اختلافات زناشویی غالباً به دلیل پیچیدگی‌های روانی، مدت زمان طولانی فرآیند و کمبود متخصصین حکمی، با مشقت و حرج برای طرفین و نظام قضایی همراه است.

٦-٢-١-٢-هوش مصنوعی به مثابه تسهیل‌کننده:

- سرعت و دسترسی: AI می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به حجم عظیمی از داده‌ها دسترسی پیدا کرده و تحلیل اولیه را انجام دهد، که این خود موجب تسریع و رفع مشقت طولانی شدن پروسه می‌شود.
- کاهش هزینه‌های اجتماعی/اقتصادی: حل سریع‌تر مشکلات از تبدیل شدن اختلافات کوچک به طلاق‌های پرهزینه جلوگیری می‌کند که این خود تسهیل عمومی است.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

نکته کلیدی در مورد موضوعیت: حتی اگر برخی فقها بعث را موضوعی بدانند، اصل تسهیل می‌تواند دلالت کند که تکلیف به ارسال حکمین، وجوب عینی و شخصی ندارد؛ بلکه تأمین سازوکار اصلاحی، وظیفه اصلی است. اگر AI بتواند این سازوکار را با سهولت بیشتری فراهم کند، تکلیف انجام شده است.

۷-مبانی فقهی مشروعیت استفاده از تکنولوژی:

در جواز استفاده از علوم و فناوریهای جدید بین فقها اختلاف نظر است. لکن نکته اساسی این است که خود انبیا نقش بنیادین در تمدن و پیشرفت علمی بشر داشته اند. شاهد مثال آن زره سازی و سد سازی حضرت داوود و استفاده از صنعت ذوب آهن (انبیاء/ ۸۰) یا آموزش خط و ریاضیات و نجوم توسط حضرت ادریس یا دانش مدیریت منابع و استفاده از روش‌های پیشرفته برای ذخیره‌سازی غلات توسط حضرت یوسف (ع) و نجات مصر از بحران قحطی (یوسف/۴۷-۵۵) همچنین استفاده حضرت سلیمان (ع) از قدرت‌های الهی و دانش بشری برای ساخت بناهای عظیم و کنترل باد و دیگر پدیده‌های طبیعی (نمل/۱۷-۴۴) و ساخت کشتی بسیار بزرگ و مجهز توسط حضرت نوح با استفاده از دانش ومهارتهای فنی (هود/۳۷-۴۸) و بسیاری از مثالهای دیگر موید پیشتازی انبیاء الهی در استفاده از علم و تکنولوژی است.

حضرت علی(ع) می‌فرمایند:
العِلمُ سُلطانٌ مَن وَجدَهُ صالَ بِهِ وَ مَن لَم یَجِدهُ صیلَ عَلَیه؛(ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

دانش، سلطنت و قدرت است؛ هرکه آن را بیابد، با آن یورش برد و پیروز شود و هرکه آن را نیابد، بر او یورش برند و مغلوب گردد.

منظور از علم، گستره وسیع دانش بشری است . به همین جهت بعضی حدیث "اطلبوا العلم ولو بالصین"(نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱) را ناظر به این گستره وسیع دانسته اند، با این استدلال که علم دین در آن زمان در چین نبوده. پس منظور علم در تمام زمینه ها است که تکنولوژی و فناوری یکی از زمینه های علمی است.

(https://pasokhgoo.ir/node/23143)

تأثیر فناوری هوش مصنوعی امروزه در همه عرصه‌های جهانی نمایان است؛ از این‌رو رهبر معظم انقلاب درباره این فناوری می‌فرمایند: «در دوران هوش مصنوعی و کوانتوم و اینترنت و امثال این پیشرفت‌های علمی، نمی‌شود با همان شیوه‌های چهل سال قبل، دوران تلفن‌های کذایی و ضبط‌صوت‌های کذایی، با آن ابزارها امروز کار کرد.»

(https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=۵۳۰۹۱)

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

کشور ما در حوزه تولید علم در هوش مصنوعی، رتبه اول منطقه و پانزدهم دنیا را در اختیار دارد؛ اما در استفاده از هوش مصنوعی در زندگی و فناوری، رتبه۷۷ را دارد؛

(mehrnews.com/x32wKz)

درواقع متخصصان، خانواده‌ها و جوامع نتوانسته اند ظرفیت‌های این فناوری را به‌خوبی بشناسند. با شناخت این ظرفیت‌ها، می‌توان از هوش مصنوعی در جایگاه حَکَم یا دستیار او در تسهیل مسائل خانوادگی استفاده کرد.

۸-فرصت‌های استفاده از هوش مصنوعی در حَکَمیت

در بررسی نافذ بودن حکم هوش مصنوعی در داوری بین زوجین در صورت شقاق، چندین دلیل و ملاحظه وجود دارد که می‌تواند به این موضوع اعتبار ببخشد.:

۸-۱-کارایی و سرعت: هوش مصنوعی می‌تواند با سرعت و دقت بالا داده‌ها را تحلیل کرده و تصمیم‌گیری کند، که این امر می‌تواند به کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به فرآیند داوری کمک کند؛ همچنین سیستم‌های مبتنی بر یادگیری ماشین قادرند که بر اساس سوابق فقهی و قانونی، احکام متناسبی پیشنهاد کنند. این فناوری می‌تواند به کاهش زمان رسیدگی و افزایش دقت در صدور احکام کمک کند با توجه به حجم بالای پرونده های قضایی در حوزه خانواده این تکنولوژی بسیاری از معضلات را در این حوزه حل می‌کند.

۸-۲- اصل بی‌طرفی: الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند در صورتیکه داده ها کاملا صادقانه و منصفانه به آن ارائه شود بدون تعصب و پیش‌داوری عمل کنند، که این موضوع می‌تواند به افزایش عدالت در تصمیم‌گیری‌ها منجر شود؛ در حالیکه در داوریهای انسانی جانبداری از افراد در شرایط مختلف بسیار محتمل است.

۸-۳-پشتیبانی از داده‌های گسترده: هوش مصنوعی قادر است حجم زیادی از داده‌ها و سوابق را بررسی کند و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری کند، که این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و مستندتر منجر شود. در حالیکه محدودیت حافظه انسانی و تاثیر حالات روحی و روانی بر تصمیم گیریها ممکن است عدالت و انصاف را تحت الشعاع قرار دهد.

۸-٤- قابلیت تنظیم و به‌روزرسانی: الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند بر اساس تغییرات قانونی و اجتماعی به‌روزرسانی شوند، که این امر می‌تواند به تطابق بهتر با شرایط جدید کمک کند.

نسخه در حال ویرایش پیش از انتشار

۸-۵-کمک به داور انسانی در بررسی اسناد و مدارک: هوش مصنوعی قادر است اسناد قانونی و قراردادهای مربوط به دعاوی خانوادگی را تجزیه‌وتحلیل کند و نکات مهم را استخراج کند. این ویژگی باعث می‌شود داور انسانی بتواند تمرکز بیشتری روی ابعاد اخلاقی و انسانی پرونده داشته باشد.

۸-٦-- کاهش هزینه‌ها: استفاده از هوش مصنوعی در داوری خانوادگی می‌تواند هزینه‌های رسیدگی را کاهش دهد و امکان ارائه خدمات به افراد بیشتری فراهم کند، به‌ویژه برای کسانی که دسترسی محدودی به مراکز قضایی دارند.

۹-چالشهای حکمیت توسط هوش مصنوعی

استفاده از هوش مصنوعی به عنوان حکم و داور در مسائل شقاق زوجین با چالش‌های متعددی مواجه است که نیاز به بررسی دقیق و ارائه راه‌حل‌های مناسب دارد. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۹-۱- عدم درک احساسات و پیچیدگی‌های انسانی: هوش مصنوعی هنوز توانایی درک کامل احساسات و پیچیدگی‌های روابط انسانی را ندارد. این موضوع می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست یا غیرمنصفانه شود.

۹-۲- مسائل اخلاقی: استفاده از هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های حساس خانوادگی می‌تواند مسائل اخلاقی را به همراه داشته باشد، به ویژه در مواردی که تصمیمات بر اساس الگوریتم‌های غیرشفاف اتخاذ می‌شوند.

۹-۳- عدم تطبیق با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی: هوش مصنوعی به دلیل نداشتن انعطافهای هوش انسانی، ممکن است نتواند با شرایط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی خاص هر جامعه یا زوجین تطبیق یابد.

۹-٤- پذیرش قانونی: برای استفاده از هوش مصنوعی در داوری، ابتدا باید مشخص شود که آیا قوانین داخلی کشور آن را به‌عنوان یک ابزار معتبر می‌پذیرند یا خیر. برخی کشورها مقررات خاصی برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حل اختلافات دارند، درحالی‌که در برخی دیگر، استفاده از هوش مصنوعی در داوری هنوز در مرحله بررسی است.

۹-۵- حفظ عدالت و بی‌طرفی: یکی از چالش‌های حقوقی مهم، اطمینان از بی‌طرفی سیستم‌های هوش مصنوعی است. الگوریتم‌های یادگیری ماشین ممکن است بر اساس داده‌های ورودی، دچار سوگیری شوند. قوانین باید تضمین کنند که فناوری مورد استفاده عادلانه، شفاف، و بدون تبعیض عمل می‌کند.

۹-٦- حریم خصوصی و امنیت داده‌ها: هوش مصنوعی برای تحلیل دعاوی خانوادگی به داده‌های شخصی طرفین دسترسی دارد استفاده از داده‌های شخصی و حساس در الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌تواند خطراتی برای حریم خصوصی افراد ایجاد کند.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

۹-۷- اعتماد عمومی: یکی از دغدغه‌های حقوقی، توانایی توضیح تصمیمات هوش مصنوعی است. طرفین دعوا باید بتوانند روند تحلیل داده و استدلال‌های ارائه‌شده توسط سیستم هوش مصنوعی را درک کنند. عدم شفافیت می‌تواند موجب کاهش اعتماد به این ابزار شود. جلب اعتماد عمومی به تصمیمات گرفته شده توسط هوش مصنوعی چالشی بزرگ است، به ویژه در مواردی که نتایج با انتظارات عمومی همخوانی نداشته باشد.

۹-۸- مسئولیت اخلاقی و قانونی: در صورت بروز خطا یا تصمیم‌گیری نادرست، باید مشخص شود که چه کسی مسئولیت آن را بر عهده دارد: توسعه‌دهندگان سیستم، نهاد قضایی، یا داور انسانی. چارچوب‌های قانونی باید مسئولیت‌های مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی را دقیق مشخص کنند ، زیرا هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار عمل می‌کند و نه یک موجودیت مستقل.

۹-۹- عدم وجود جایگاه شرعی: در فقه اسلامی، حکمیت باید توسط افراد صالح و دارای شرایط خاص انجام شود و بدلیل اینکه احکام شرعی نیازمند تفسیر و اجتهاد است هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگاه شرعی داشته باشد؛ فلذا از دیدگاه فقهی، تصمیم‌گیری نهایی در داوری باید توسط انسان انجام شود. و هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین داور انسانی شود.

۹-۱۰- هزینه‌های پیاده‌سازی و توسعه فناوری: توسعه و پیاده‌سازی سیستم‌های هوش مصنوعی در داوری نیازمند سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی در بخش فناوری، داده‌های آموزشی، و ارتقای زیرساخت‌های دیجیتالی است.

هر یک از این چالش‌ها نیازمند بررسی دقیق و تدوین چارچوب‌های قانونی مناسب هستند تا هوش مصنوعی بتواند به‌صورت بهینه در فرایند داوری خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد.

۱۰-راه‌حل چالشها

حل چالش‌های هوش مصنوعی نیازمند رویکردهای چندجانبه شامل قوانین، نظارت، طراحی مسئولانه، و آموزش عمومی است. برخی از راهکارهای موثر عبارتند از:

۱۰-۱- استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزار کمکی: هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزاری کمکی برای جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و ارائه پیشنهادات به حکمین انسانی مورد استفاده قرار گیرد

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

۱۰-۲- تدوین چارچوب‌های اخلاقی و قوانین نظارتی: برای استفاده از هوش مصنوعی در حکمیت، باید قوانین و ضوابط مشخصی تدوین شود تا از سوء استفاده و اشتباهات جلوگیری شود. چارچوب‌های حقوقی باید شامل مقرراتی برای حفاظت از اطلاعات خصوصی افراد و جلوگیری از سوءاستفاده از داده‌های آنها باشد. همچنین برای جلوگیری از سوءاستفاده از هوش مصنوعی، باید چارچوب‌های نظارتی و اخلاقی نیز تدوین شوند. بدون قوانین مناسب، ممکن است هوش مصنوعی در مسیرهایی که مخالف ارزش‌های انسانی هستند توسعه یابد.

۱۰-۳- بهبود شفافیت و توضیح‌پذیری الگوریتم‌ها: الگوریتم‌های هوش مصنوعی باید بتوانند فرایند تصمیم‌گیری خود را به صورت روشن توضیح دهند. این امر باعث افزایش اعتماد عمومی و کاهش خطرات ناشی از تصمیمات غیرقابل توضیح می‌شود.

۱۰-٤- مبارزه با سوگیری در داده‌ها و الگوریتم‌ها: برای کاهش تبعیض و سوگیری، باید داده‌های آموزشی هوش مصنوعی از منابع متنوع و بی‌طرف انتخاب شوند. همچنین، سیستم‌های هوش مصنوعی باید به‌طور مستمر ارزیابی شده و اصلاح شوند.

۱۰-۵- ترکیب هوش مصنوعی با حکمیت انسانی: بهترین راه‌حل، ترکیب هوش مصنوعی با حکمیت انسانی است تا از مزایای هر دو استفاده شود و نقاط ضعف آن‌ها پوشش داده شود چرا که حکمیت در شقاق زوجین نیازمند درک عمیق از شرایط زوجین، عواطف انسانی و تطبیق با قوانین شرعی و مناسبات عرفی است. بنابراین، استفاده از هوش مصنوعی باید با دقت و همراه با نظارت انسانی انجام شود.

۱۰-٦-آموزش و تربیت حکمین: حکمین انسانی باید در استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی آموزش ببینند تا بتوانند به بهترین شکل از آن‌ها استفاده کنند.

۱۰-۷- افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: شرکت‌ها و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی باید در قبال عملکرد سیستم‌های خود مسئول باشند. در صورت وقوع خطا یا آسیب، باید راهکارهایی برای جبران خسارت و اصلاح مشکلات در نظر گرفته شود.

۱۰-۸- حفظ امنیت و حریم خصوصی کاربران: سازوکارهای پیشرفته‌ای برای حفاظت از داده‌های شخصی باید ایجاد شود تا از سوءاستفاده، افشای غیرمجاز، یا نقض حریم خصوصی جلوگیری شود.

۱۱-پیشنهاد عملیاتی مدل هوش مصنوعی فقه یار

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

پیشنهاد مدل هوش مصنوعی «فقه یار» برای فرآیند حکمیت در اختلافات خانوادگی نیازمند یک ساختار چندلایه است که هم ملاحظات فنی و فقهی را پوشش دهد و هم اعتماد کاربران و مراجع شرعی را جلب کند.

بر اساس ماهیت طریقی و ارشادی حکمیت که پیش‌تر تثبیت شد، «فقه یار» نباید به عنوان «حکم» نهایی، بلکه به عنوان دستیار پیشرفته حکمی (AI-Assisted Judicial Assistant) مطرح شود.

در اینجا، چارچوب پیشنهادی برای معرفی و اجرای مدل «فقه یار» در فرآیند حکمیت ارائه می‌شود:

۱۱-۱- تبیین ساختار و کارکرد مدل «فقه یار»

مدل «فقه یار» باید دارای سه ماژول اصلی باشد که هر کدام وظیفه مشخصی را در فرآیند حکمیت بر عهده می‌گیرند:

۱۱-۱-۱-ماژول جمع‌آوری و تحلیل داده (Insight & Data Analysis)

- ورودی: مصاحبه‌های متنی/صوتی ضبط‌شده با زوجین، سوابق اختلافات (در صورت توافق)، اسناد و مدارک مربوط به زندگی مشترک.
- تحلیل احساسات (Sentiment Analysis): تشخیص میزان خشم، ناامیدی، یا آمادگی برای صلح در لحن و کلمات طرفین.
- شناسایی ریشه تعارض: استفاده از مدل‌های NLP برای دسته‌بندی و برجسته‌سازی دلایل اصلی اختلاف (مالی، عاطفی، ارتباطی و...).
- نقشه‌برداری الگوهای رفتاری: مقایسه‌ی رفتارها با الگوهای شناخته‌شده‌ی تعارضات زناشویی (با حفظ حریم خصوصی و بدون انتساب مستقیم به فرد).

۱۱-۱-۲- ماژول مشاوره‌ی فقهی-حقوقی (Jurisprudence Advisory)

- ورودی: نتایج ماژول (الف) + داده‌های متنی قواعد فقهی، احادیث و نظرات مراجع تقلید.
- احصاء حقوق و تکالیف: بر اساس مذهب فقهی مرجع تقلید زوجین، مدل باید حقوق متقابلی که نقض شده یا باید رعایت شود (نفقه، تمکین، حسن معاشرت و...) را به صورت خلاصه و واضح استخراج کند.
- پیشنهاد مصالح: ارائه پیشنهاداتی که بیشترین همسویی را با «مقاصد شریعت» در حفظ نهاد خانواده دارند (در چارچوب طریقی بودن حکمیت).

۱۱-۱-۳ ماژول راهکارهای صلح و میانجی‌گری (Settlement & Mediation)

نسخه پیش از انتشار

- **ورودی:** تحلیل‌های ماژول‌های الف و ب.
- **عملکرد:**
- **ارائه سناریوهای صلح:** طراحی چند راهکار مصالحه‌آمیز مبتنی بر داده‌های خاص این زوج، با استفاده از اصول روانشناسی صلح و آموزه‌های اخلاقی اسلامی.
- **شبیه‌سازی نتایج:** ارائه یک مدل پیش‌بینی شده از پیامدهای هر یک از سناریوهای صلح یا عدم صلح (بر اساس آمارهای عمومی و اخلاقی).

۱۱-۲- الزامات فقهی و اعتمادسازی

برای مشروعیت‌بخشی عمومی به این مدل، سه شرط زیر ضروری است:

۱. عدم جایگزینی برای حکم: تأکید مکرر بر اینکه AI صرفاً ابزاری برای بهتر انجام دادن امر طریقی است و «حکمِ خدا» نیازمند اراده و قضاوت انسانی است.
۲. حفظ محرمانگی (امانت‌داری): از آنجا که AI به اسرار خصوصی دسترسی دارد، باید ضمانت‌های فنی و شرعی برای عدم نشت داده‌ها (از منظر تعاون بر إثم و حفظ آبروی مؤمن) وجود داشته باشد.
۳. تأیید فقهی و نظارت علمی: برای جلب اعتماد مراجع و جامعه، لازم است یک هیئت از فقها و متخصصین علوم کامپیوتر، الگوریتم‌های «فقه یار» را برای انطباق با اصول شرعی و جلوگیری از سوگیری‌های ناخواسته بازبینی و تأیید کنند.

با این رویکرد ساختارمند، می‌توان «فقه یار» را به عنوان یک ابزار مؤثر و مشروع برای تسهیل و تقویت فرآیند اصلاح ذات‌البین معرفی کرد.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش حاضر بر پایه‌ی تحلیل نصوص قرآنی، مبانی اصولی و آرای فقهای امامیه نشان می‌دهد که ماهیت «بعث حکمین» در شقاق زوجین از منظر غالب منابع فقهی، طریقی و ارشادی است نه موضوعی و تعبدی. بر این اساس، وظیفه‌ی حکمین نه یک تکلیف مولوی مستقل، بلکه وسیله‌ای عقلایی برای کشف واقع، تحلیل منشأ اختلاف و تلاش در جهت اصلاح روابط خانوادگی است. این مبنا که ریشه در غایت آیه‌ی شریفه «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» دارد، ظرفیت فقهی قابل‌توجهی برای بهره‌گیری از ابزارهای نوین در خدمت هدف اصلاح ذات‌البین فراهم می‌سازد.

در پرتو این مبنا، استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند حکمیت نه‌تنها با ظاهر و روح شارع منافات ندارد، بلکه می‌تواند به عنوان *طریق عقلایی امضاشده* در فقه، موجب افزایش دقت در ارزیابی داده‌های رفتاری، تحلیل روان‌شناختی زوجین،

نسخه غیرنهایی پیش از انتشار

و ارائه‌ی راهکارهای مبتنی بر مصالح و مقاصد شرعی گردد. به شرط آن‌که تصمیم نهایی و اعمال آثار شرعی همچون تفریق یا مصالحه، همچنان در صلاحیت حکمین انسانی یا حاکم شرع باقی بماند. در چنین الگویی، هوش مصنوعی نقش مشاور و ابزار کمکی دارد نه جایگزین حکم انسانی.

از سوی دیگر، دیدگاه اقلیتِ قائل به موضوعیتِ بعث حکمین، اگرچه بر وجوب تعبّدی و مباشرت انسانی تأکید دارد، اما با تکیه بر قاعده‌ی تعاون و اصل تسهیل در اصلاح ذات‌البین، نیز می‌تواند نقش پشتیبان فناوری‌های هوش‌محور را در محدوده‌ی مشاوره و داده‌کاوی بپذیرد.

در نتیجه، ممانعتی فقهی برای به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند حکمیت زوجین وجود ندارد، مشروط بر آن‌که کارکرد این فناوری در چارچوب اهداف الهیِ اصلاح، همراه با نظارت انسانی و با حفظ اصول انصاف، اعتماد و حفظ اسرار خانوادگی سامان یابد.

بنابراین، فقه امامیه قابلیت انطباق با تحولات فناوری را دارد و می‌توان با طراحی مدل‌های هوش مصنوعی «فقه‌یار» در حوزه‌ی داوری و صلح خانوادگی، گام مؤثری در جهت تحقق مقاصد قرآنی، به‌ویژه در مسیر تحقق آیه‌ی «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» برداشت.

نسخه‌ی غیرنهایی پیش از انتشار

کتابنامه

۱) قرآن کریم

۲) ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱٤۰٤ق) *شرح نهج‌البلاغة*، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، قم:آیةالله مرعشی نجفی

۳) ابن ادریس، محمدبن احمد (۱٤۱۰ق) *السرائر*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، چاپ دوم

٤) انصاری، مرتضی (۱٤۱۹ق) *فرائدالاصول*، ج۱، قم: مجمع الفکر الإسلامی، چاپ اول

۵) .بحرانی، شیخ یوسف (بی‌تا) *الحدائق الناظره*، قم: موسسه النشر الاسلامی

٦) بحرانی، سید هاشم (۱٤۱۵ق) *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مرکز الطباعه و النشر

۷) جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۵) *دانشنامه حقوقی*، تهران: کتابخانهٔ گنج دانش، چاپ چهارم

۸) حلی، حسن بن یوسف (۱٤۲۱ق) *تحریر الاحکام*، ج۳، قم: موسسه الامام الصادق(ع)

۹) خمینی، روح الله (۱۳۹۰ق) *تحریر الوسیله*، نجف: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم

۱۰) خمینی، روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. جلد ۲. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۱۱) دادمرزی، سیدمهدی (بهار۸۸) *شرایط داوران در داوری خانوادگی*، نشریه حوراء، ش۱٤

۱۲) راغب اصفهانی، حسین (۱٤۱۲ق) *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالقلم، چاپ اول

۱۳) سبزواری، عبدالاعلی (بی‌تا) *مهذب الاحکام*، قم: دارالتفسیر

۱٤) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا) *الروضه البهیه*، بی٦جا

۱۵) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱٤۱۳ق) *المسالک الافهام*، قم:، موسسه المعارف الاسلامیه، چ اول

۱٦) الصواغ، عبدالرحمن صباح. (۲۰۲٤). «*تطبیقات الذکاء الاصطناعی فی قضایا الطلاق: إمکاناتها التقنیة وضوابطها الفقهیة*.» مجلّة -الشریعة والدراسات الإسلامیة، ۳۹ (ویژه‌نامه)، ٤۵٦

۱۷) طباطبائی، سید علی(۱٤۱۸ق) *ریاض المسائل*، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول

۱۸) طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق) *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتبهٔ المرتضویه، چاپ سوم

۱۹) فاضل هندی،محمدبن حسن (۱٤۰۵ق) *کشف اللثام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی

۲۰) متین دفتری، احمد(۱۳۷۸) *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، تهران:مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

۲۱) محمد زاده اصل، حیدر (۱۳۷۹) *داوری در حقوق ایران*، تهران: انتشارات ققنوس،چاپ اول

۲۲) محمدی گیلانی، محمد(۱۳۷۸) *قضا و قضاوت در اسلام*، تهران: نشر سایه، چاپ اول۹۷۳

۲۳) مظفر، محمدرضا (۱٤۲۳ق) *اصول الفقه*، ج۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۲٤) موسوی خویی، ابوالقاسم (بی‌تا) م*بانی تکملة المنهاج* ، ج ۱، نجف: مطبعة الآداب

۲۵) نجفی، محمدحسن (۱۳٦۲) *جواهر الکلام*، ج۳۱، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ هفتم

۲٦) نیشابوری، فتال (۱۳۷۵) *روضه الواعظین*، قم: نشر رضی، چاپ اول

منابع اینترنتی:

https://arazcloud.com/blog/what-is-ai-ai-and-what-are-its-uses/

https://www.deltous.com/blog/what-is-ai

https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id= 53091

https:// mehrnews.com/x32wKz

https://pasokhgoo.ir/node/23143

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار